

راه آهن مشهد به خاطر بی شمار زائران و خدمتگزاران گره خورده است

# وصال و فراق در ایستگاه هشتم

سعید جلائیان همه می دانند که خادم، کسبه و هتلداران، چه نقش پررنگ و اثر بخشی در میزبانی از زائران دارند. اما برخی از مشاغل هم هستند که با وجود داشتن ارتباط تنگاتنگ با زائر، چندان دیده نمی شوند یا اهمیت کارشان زیاد مشهود نیست؛ به ویژه مشاغلی که در ورودی و خروجی شهرها فعالیت دارند. راه آهن یکی از همین عرصه هاست که اولین تصویر و آخرین تصویر از این شهر و مردمش را در ذهن زائران ثبت می کند. باربرانی که در این حوزه خدمت می کنند، بار را از روی دوش مسافران خسته ای که ساعت ها در مسیر مشهد بوده اند، برمی دارند یا به زائرانی که قصد خروج از شهر را دارند، کمک می کنند. رانندگان تاکسی راه آهن هم از این دسته افرادند و روزانه هزاران زائر را به محل اقامتشان می رسانند و از محل اقامت به راه آهن باز می گردانند. راه آهن مشهد، این روزها میزبان زائران بسیاری است که در دهه گرامت به پابوسی امام مهربانی ها آمده اند. برای شنیدن از خاطرات و حال و هوای این روزهای کاری باربران، کنارشان نشستیم و با هم گفت و گو کردیم.

## نباید زائری مشهد را ناراحت ترک کند

باربرها چمدان و وسایل زائران تازه رسیده از سفر را با چرخ دستی تا ایستگاه تاکسی رانی و مسیبر برعکس حمل می کنند، اما در هیاهوی رفت و آمدها و برو بیاهای کسی متوجه آن ها نیست. شاید اندوخته مالی و شغل پردرآمدی نداشته باشند، اما قلب آن ها هم مثل همه مشهدی ها پر از عشق امام رضا<sup>(ع)</sup> است و یکی از قشنگ ترین نذرهای آن ها این است که به زائران امام هشتم<sup>(ع)</sup> خدمت کنند.

علی عابدین زاده، یکی از باربران با تجربه در راه آهن است که کارش را خیلی دوست دارد. خستگی کار در گرمای تابستان و سرمای زمستان را خدمت به زائران می گیرد. اومی گوید: بارها برای من و همکارانم پیش آمده است که با زائرانی روبه روبرو شده ایم که پول آن ها سرفقت شده و گفته اند پولی برای برگشتن به شهرشان ندارند. اصلا فرقی نمی کند کدام یک از همکاران باشد؛ سعی می کنیم هیچ زائری مشهد را ناراحت ترک نکند. علاوه بر این بارها پیش آمده است که با مسافر میان سال یا سالمندی برخورد کرده ایم که نه توان حمل بارش را داشته است و نه پولی برای باربر. در این شرایط همکارانم قبض حمل بار تهیه می کنند و بار زائران را تا قطار می برند.

علی آقا ادامه می دهد: یک بار خانم سالمندی را دیدم که می گفت کیف پولش را از دیده اند و فقط یک بلیت برگشت داشت. خودم یک قبض حمل بار برایش گرفتم و بار او را تا قطار بردم. کمی هم پول برای کرایه اش در تهران دادم. پس از خالی کردن چمدان هایش، شماره من را گرفت و سوار قطار شد. بلافاصله بعد از رفتن این خانم، یک قطار رسید و من مسئول انتقال چمدان های یک خانواده تا ایستگاه تاکسی هاشدم. این خانواده اگر چه وسایل زیادی نداشتند. پس از رساندن بارشان به تاکسی، چندین برابر پولی که من به آن خانم داده بودم، انعام دادند. از این اتفاق حدود یک سال گذشت و من ماجرا را فراموش کرده بودم تا اینکه چند هفته پیش، گوشی ام زنگ خورد. وقتی تلفنم را جواب دادم، خانمی خودش را معرفی کرد و گفت «علی آقا! من همان مسافری هستم که سال گذشته در راه آهن کمکم کردی، دوباره به مشهد برگشته ام و می خواهم تورا ببینم.» وقتی به دیدن آن خانم رفتم، دیدم با پسرش منتظر من ایستاده اند و هدیه ای به من دادند که واقعا حال را خوب کرد. می دانید آن هدیه چه ارزش مادی هم داشت، قدر دان بودن مسافران حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> برایم ارزشمند بود و خوشحالم کرد.

## رفاقت هایی که از ایستگاه شروع می شود

مسیری که باربران با زائران همراهی می کنند، هر چند چندان طولانی نیست. بپایه شکل گرفتن رفاقت های بسیاری است. تقریباً همه آن ها برای خود دوستانی از دیگر شهرهای ایران دارند.

محمود امام وردی یکی دیگر از باربران قدیمی راه آهن است که تعریف می کند: کار ما خدمت رسانی به زائران امام رضا<sup>(ع)</sup> است و برای هیچ کدام از ما تفاوتی ندارد که چمدان چه کسی را جابه جامی کنیم؛ ایرانی باشد یا خارجی. مامی دانیم آن ها ما میهمان امام رضا<sup>(ع)</sup> هستند و خوش رفتاری و خلق خوش تنها کاری است که از دستمان بر می آید. این رفتار باعث شده است حتی زائرانی که یک بار ما را دیده اند، شماره تلفن من و همکارانم را بگیرند و هر از چندگاهی زنگ بزنند و بخواهند سلامشان را به امام رضا<sup>(ع)</sup> برسانیم. حتی رابطه برخی همکارانم با زائران فراتر از این است و دوستی های بین آدم های دوشهرن قدر پایدار شده است که با هم رفت و آمد خانوادگی دارند. تک تک کسانی که در ایستگاه راه آهن کار می کنند و نشان را از رفت و آمد زائران به دست می آورند، خود را احادمان امام رضا<sup>(ع)</sup> می دانند و از این نظر خوشحال هستند. محمود ادامه می دهد: بین همکاران خیلی ها هستند که نذر می کنند در برخی مناسبت ها مانند ولادت و شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup>، روز عاشورا و... بار زائران را رایگان جابه جا کنند. این کار را با عشق تمام انجام می دهند و می دانند یک جا و لحظه ای که گمانش را ندارند، آقا خودش جبران می کند.

با توجه به اینکه بیشتر زائران با تاکسی به محل اقامت موقت خود در مشهد می روند و با تاکسی نیز به راه آهن باز می گردند، در مقصد اول و آخر، بارانندگان در ارتباط هستند. در واقع رانندگان تاکسی جزو اولین و آخرین مشهدی هایی هستند که زائرانی که با قطار به مشهد می آیند، در شهر امام مهربانی ها با آن ها برخورد می کنند، موضوعی که رانندگان به خوبی از آن اطلاع دارند و به همین دلیل می کوشند رفتاری مناسب با آن ها داشته باشند. در ایستگاه راه آهن حدود دو بیست دستگاه تاکسی و بیش از سی دستگاه تاکسی ون وظیفه جابه جایی زائران را بر عهده دارند. سوار شدن مسافران غالباً به یک ارتباط دوستانه بین راننده و مسافر ختم می شود و این رابطه گاهی در مدتی که مسافر در مشهد حضور دارد، ادامه پیدا می کند. جواد بیسان تن راننده تاکسی ون در راه آهن است و بیش از بیست سال است که با جابه جا کردن مسافر روزی حلال به خانه می برد. او که تازه وارد چهارمین دهه از زندگی خود شده است، خاطرات بسیاری از زائران دارد و با به یاد آوردن بیشتر آن ها لبخند بر لبانش نقش می بندد. او تعریف می کند: حدود هفت سال ابتدای کارم، کارم جابه جا کردن مسافر با تاکسی در شهر بود. اما از حدود سی و سه سال پیش، به راه آهن آمدم و با توجه به اینکه حدود ۹۵ درصد از مسافران ما زائران امام رضا<sup>(ع)</sup> هستند، می توان گفت که از همان موقع مشغول خدمت رسانی به زائران هستم و از این کار لذت می برم. زندگی روزگار جواد آقا به حضور زائران گره خورده است؛ او از فرارسیدن دهه گرامت و تولد امام رضا<sup>(ع)</sup>، خیلی خوشحال است و به خودش می بالد که ساکن مشهد است. تعریف می کند: در این ایام، ترافیک زیاد است و شهر شلوغ و رفت و آمد برای ما سخت، اما می دانم این زائران چقدر برای امام رضا<sup>(ع)</sup> عزیز هستند. هر وقت به این موضوع فکر می کنم، با اشتیاق بیشتری دنده عوض می کنم. تحمل آفتاب و سرما هم برایم راحت تر می شود.

